

شروع
۴۹

از درس «رازی و ساخت بیمارستان»، کلمه هایی پیدا کن که نشانه های زیر را داشته باشد.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....



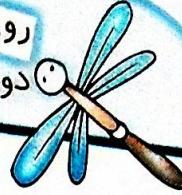
.....

.....

.....

.....

روی کلمه‌ی نادرست خط بزن و کلمه‌ی صحیح را
دوباره در جای خالی بنویس.



هر کس، مکانی را (پیشنهاد-پیشحاد) (خلاصه-خلاصه)

می‌کرد. پس از پرس و جو تصمیم گرفتند (نزر-نظر) طبیب شهر را
نیز پرسند. نزد اوی رفتند و (مسئله-مسئله) را به او گفتند.

بعضی با خود گفتند: «کنند طبیب (هوس-حس) خوردن کباب

کرده است؟!» با رسیدن گوشت‌ها، آن‌ها را در چند (نقطه‌ی- نقطه‌ی)

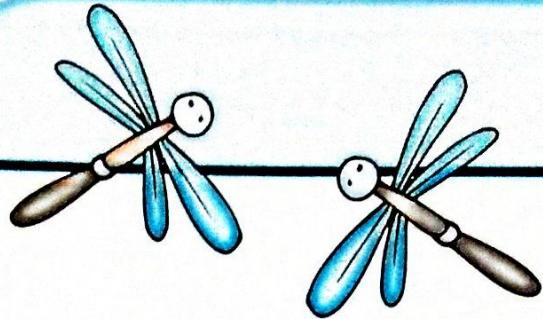
شهر از شاخه‌ی درخت (آویزان-آیزان) کردند. همه

از فرمان طبیب (شگفت‌زده-شگفت‌زد) شدند. پس از چند روز

طبیب از بزرگان (خواست-خاست) تگه‌های گوشت را (بیاورند-

بی‌آورند). از گوشت‌ها (خوشکیده-خشکیده) و بعضی

فاسد و بدبو شده بودند. طبیب با (خونسردی-خون‌سردی) آن‌ها را



(بوييد-بويد). فقط يك تكه گوشت سالم مانده است. پس معلوم است

آن (نقطه‌ي - نقطه‌ي) شر هوای (پاکیزه‌تري - پاکیزتری)

دارد و اين گونه طيب در (تائيين - تعين) جاي مناسب برای ساخت

بيمارستان به آنان كم بزرگى کرد.

او محمدبن زكريای رازی پزشك و دانشمند (بلند آوازه‌ي - بلند آوازه‌اي)

ايراني بود.

يکی از (شرط‌های - شرط‌های) موقعيت در کارها، (بره‌گيري - بره‌گيری)

از دانایين و (هشياري - هوشياري) است. از خدای بزرگ

مي خواهيم به ما ياري رساند تا در اين راه (موفق - مبوق) شويم .